

مدیریت ارتباط با خانواده اصلی و خانواده همسر

از دید مشاوره خانواده و اسلام

نجمه بارباز اصفهانی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۳/۰۳

اعظم پرچم^۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۰۳/۲۳

مریم السادات فاتحی زاده^۳

چکیده

هدف این پژوهش، ارائه مهارت‌های مؤثر در مدیریت کارآمد ارتباط با خانواده اصلی و خانواده همسر با توجه به آموزه‌های دانش مشاوره خانواده و اسلام و استخراج نکات اشتراک و اختلاف دو حوزه در این موضوع است؛ بدین منظور با تکیه بر روش شهید صدر مبتنی بر اینکه برای پاسخگویی به سؤالها و نیازهای روز از قرآن، لازم است ابتدا موضوعات در عالم خارج و اندیشه‌های بشری جستجو، و پس از بررسی و تحلیل به قرآن عرضه شود تا قرآن نیازها و سؤالات بشری را پاسخ دهد. ابتدا موضوع با روش توصیفی - تحلیلی در حیطه مشاوره خانواده بررسی، و سپس با رجوع به منابع اسلامی (آیات و روایات) نظر اسلام در این موضوع بیان، و نقاط ضعف دانش مشاوره خانواده از طریق مباحث اسلامی تکمیل و نقاط اشتراک و افتراق دو حوزه مطرح می‌گردد. مهمترین نتایج حاکی است که ارتباط با خانواده اصلی و خانواده همسر در مشاوره خانواده و اسلام بر مبنای اعتقاد به اصل عزت و کرامت انسانی استوار است. مدیریت ارتباط با این دو گروه در مشاوره خانواده بر اساس انسان محوری و در اسلام بر پایه توحید محوری است.

کلید واژه: مشاوره خانواده و اسلام، خانواده و ارتباط مؤثر، زوجین، خانواده اصلی و رعایت آن، خانواده همسر و حقوق آن.

barbaz62@yahoo.com

۱ - نویسنده مسئول: کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان

azamparcham@gmail.com

۲ - دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان

fatehizade@gmail.com

۳ - دانشیار گروه مشاوره خانواده دانشگاه اصفهان

مقدمه

اگر چه سلامت ازدواج، تضمین کننده تشکیل خانواده شاد و سالم است، ازدواج سالم و پایدار، خود با عوامل دیگری در ارتباط است که یکی از مهمترین آنها تأثیر خانواده اصلی^۱ در ازدواج است. خانواده اصلی خانواده‌ای است که فرد در آن به دنیا آمده و یا به فرزندپذیری پذیرفته شده است. (تبریزی، دیبائیان، کاردانی و جعفری، ۱۳۸۵: ۴۹).

از آنجا که مدیریت روابط خانواده به روابط صرف درون خانوادگی مشروط نیست و مدیریت صحیح روابط برون خانواده، که از جمله آنها رابطه با خانواده اصلی و خانواده همسر است، نیز در پویایی خانواده و موفقیت آن نقش بسزایی دارد، بررسی ارتباط مؤثر با خانواده اصلی و خانواده همسر و ارائه مهارت‌ها و راهکارهای مدیریت صحیح آن از اهمیت برخوردار است.

پژوهشهایی در حوزه مشاوره خانواده انجام شده است؛ از جمله دو پایان‌نامه با عنوان "تدوین و استانداردسازی بسته آموزش بومی مهارت‌های ارتباط با خانواده همسر بر مبنای آسیب شناسی تعاملی در خانواده‌های شهر اصفهان" و "تدوین و استاندارد سازی بسته آموزشی بومی مهارت‌های ارتباط زوجین با خانواده اصلی بر مبنای آسیب شناسی تعاملی در خانواده‌های شهر اصفهان".

با وجود آموزه‌های ارزنده‌ای که در حوزه اسلامی در این زمینه هست، کمتر به طور مستقل به این موضوع پرداخته شده است.

از مواردی که به عنوان نوآوری این پژوهش می‌توان بدان اشاره کرد ارائه الگوی سه بعدی تعامل با خود، خانواده اصلی و با همسر است. آگاهی از چنین الگوهای تعاملی مثبت و منفی، که از آموزه‌های اسلامی استخراج می‌شود نه تنها گامی بلند

در راستای مدیریت ارتباط با خانواده اصلی و همسر است بلکه چگونگی مدیریت مؤثر ارتباط با همسر و با خود فرد را نیز در برابر این دو گروه آموزش می‌دهد. در این پژوهش به سؤالاتی نظیر اینکه مدیریت کارآمد رابطه با خانواده اصلی و خانواده همسر از دید دانش مشاوره خانواده و آموزه‌های اسلامی چگونه امکانپذیر است و نقاط اشتراک و اختلاف این دو حوزه در بررسی این موضوع در چه چیزهایی است، پاسخ داده می‌شود.

طرح مسئله

خانواده یکی از مهمترین نهادهای جامعه بشری است که زیر بنایی‌ترین و اولین نهاد اجتماع به شمار می‌رود. نبودن روابط و مهارتهای ارتباطی مناسب در زندگی، رسیدن به سکون و آرامش را در سایه خانواده غیر ممکن می‌سازد؛ لذا به منظور داشتن خانواده‌هایی سالم و در پی آن، جامعه‌ای سالم، آگاهی نسبت به اصول مدیریت ارتباط بین خانواده‌ها (خانواده اصلی و خانواده همسر) و دانستن مهارتهای کاربردی به منظور اجرایی شدن در زندگی افراد ضروری است.

با تکیه بر روش شهید صدر، که معتقد است رسالت جهانی اسلام برآوردن نیازهای روز و دفع شبهه‌هاست و موضوعهای مورد توجه در دین باید در عالم خارج نیز بررسی شود تا از تجربه‌ها و راه‌حلهای اندیشه بشری استفاده شود و از طریق مجموعه تجربه‌های علوم روز در گفتگو با قرآن نتایجی به دست می‌آید که برآورنده نیازها و پاسخگوی به سؤالهای بشری است و حقایق والای قرآنی را در صحنه اجتماع به طور ملموس آشکار می‌کند (صدر، ۱۴۰۹: ۵۱) این پژوهش در صدد است ابتدا به بررسی راهکارهای مدیریت ارتباط با خانواده اصلی و خانواده همسر در دانش مشاوره خانواده بپردازد و سپس آن را بر قرآن و روایات عرضه کند.

عوامل مؤثر بر مدیریت خانواده در راستای داشتن خانواده‌ای سالم و موفق آن قدر زیاد است که برای مبارزه با عوامل زیانبار این نهاد می‌توان الگوهای زیادی ارائه کرد. با توجه به اهمیت نهاد خانواده در دانش مشاوره خانواده در این دانش برنامه‌ای تحت عنوان "غنی‌سازی زندگی زناشویی" وجود دارد که در زمینه ارتباط زوجین، حل تعارضات و مسائل آنها، رابطه با خانواده اصلی و خانواده همسر و... به زوجین آموزش می‌دهد. این پژوهش بر آن است با توجه به ضرورت مدیریت ارتباط با خانواده اصلی و خانواده همسر و بازتابی که این موضوع در سطح جامعه خواهد داشت، این مسئله را مورد بررسی قرار دهد.

الف - مدیریت ارتباط با خانواده اصلی و خانواده همسر از دید مشاوره خانواده

ازدواج به جای اینکه صرفاً پیوند دو نفر با یکدیگر باشد، معرف دگرگونی دو نظام جا افتاده خانوادگی و تکوین خرده نظامی در داخل هر یک از آنهاست (گلدنبرگ و گلدنبرگ^۲، ۱۳۸۲: ۹۹). بخش عمده‌ای از ارتباطات هر خانواده به ارتباط زوجین با خانواده همسرشان بر می‌گردد. چنانچه این ارتباطات از سلامت کافی برخوردار باشد، می‌تواند برای زوجین مفید و سازنده باشد. ارتباط مناسب با خانواده همسر به حفظ بهداشت روانی، وجود تنوع در زندگی و رشد و بالندگی و بهره‌مندی از تجربه بزرگترها می‌انجامد (قاسمی، ۱۳۹۱: ۲ و ۱).

۱ - مهارت‌های برقراری ارتباط با خانواده اصلی

می‌توان ازدواج را مرحله تحولی هم برای زوجین و هم برای خانواده‌های آنان در نظر گرفت. بدیهی است هر دو نظام خانوادگی تازه تشکیل شده (زوجین) و قدیمی (خانواده اصلی) در این انتقال دستخوش تغییراتی می‌شوند و برای موفقیت در عبور

1 - Marital Enrichment

2 - Goldenberg & Goldenberg

از این مرحله باید به مهارت‌های لازم مجهز شوند. طبق الگوی کارتر و مک گلدریک^۱، خانواده در طول حیات خود شش مرحله تحولی را پشت سر می‌گذارد که عبارت است از ترک خانه، پیوستن خانواده‌ها از طریق ازدواج، خانواده دارای فرزندان خردسال، خانواده دارای فرزندان نوجوان، روانه ساختن فرزندان و جدایی و مرحله پایان. از این مراحل با عنوان "چرخه زندگی خانوادگی"^۲ یاد می‌شود. در ادامه به تکالیف تحولی مرتبط با خانواده اصلی و برخی آسیب‌های آن و دستیابی به برخی مهارت‌ها در رویارویی با خانواده اصلی در مراحل پرداخته می‌شود که با این بحث مرتبط است.

۱-۱- جدایی

الف- ترک خانه

در این مرحله تکلیف اولیه بزرگسالان جوان، جدا شدن از خانواده‌هایشان بدون بریدن یا پناه بردن به جانشین هیجانی است. اینجا زمان آن است که پیش از جفت شدن برای تشکیل واحد جدید، خود مختاری رشد یابد (نیکولز و شوارتز^۳، ۱۳۸۷: ۱۰۶). یکی از موارد مؤثر در بروز آسیب‌های تعاملی مرتبط با خانواده اصلی، عدم تمایز یافتگی است. تمایز به توانایی اشخاص در جدا کردن خودشان از خانواده‌های اصلی در سطح منطقی و هیجانی اشاره می‌کند (زهراکار و جعفری، ۱۳۹۰: ۱۲۳). تمایز یافتگی^۴، از توانایی کنترل هیجانی خود و در عین حال ماندن در جو هیجانی شدید خانواده خویش است. (پروجاسکا و نوراکس^۵، ۱۳۸۱: ۸۵)؛ یعنی میزان فردیتی که شخص در مقابل دیگران دارد. فرد تمایز یافته رفتارش را بر مبنای رفتار دیگری تنظیم نمی‌کند؛ بلکه دارای استقلال رفتاری است (تبریزی و همکاران،

1 - Carter & McGoldrick
 2 - Family life cycle
 3 - Nichols & Schwartz
 4 - Differentiation of self
 5 - Prochaska & Norcross

۱۳۸۵: ۱۱۵). برخی پژوهشها به بررسی رابطه رضایت زناشویی و تمایز یافتگی پرداخته‌اند. نتایج حاکی بود که بین تمایز یافتگی و خرده مقیاسهای آن (واکنش پذیری عاطفی، گریز عاطفی، جایگاه من و هم آمیختگی با دیگران) با رضایت زناشویی رابطه معنی داری وجود دارد (علیکی و نظری، ۱۳۸۷: ۱۹).

ب - پیوستن خانواده‌ها از طریق ازدواج

در این مرحله تکلیف اولیه تعهد به زوج جدید است در حالی که ممکن است به نظر برسد مشکلات این مرحله عمدتاً بین همسران است. آنها منعکس کننده شکست در جدایی از خانواده پدری با برشهایی هستند که فشار بسیار زیادی را بر زوج وارد می‌کند. شکل‌گیری هر شراکت صمیمی، مستلزم این است که همسران دلبستگی هیجانی اولیه خود را از والدین و دوستانشان به رابطه با همسرشان منتقل کنند (نیکولز و شوارتز، ۱۳۸۷: ۱۴۲). در واقع دو تکلیفی که برای ازدواج در نظر گرفته شده عبارت است از:

۱ - پایان دادن به وابستگی‌های اولیه به والدین ۲ - جهتهی دوباره نیروهای فردی از خانواده اصلی به ازدواج (هاروی، ۱۳۸۸: ۸۴).

بعضی اوقات برای خانواده‌ها دشوار است که زوج جدید را به جای اشخاصی که با آنها پیوند ژنتیکی یا انتخابی دارند به عنوان واحدی جدا در نظر بگیرند. والدین ممکن است به مزاحمی (همسر فرزندشان) که اکنون در مقایسه با آنان تأثیر بیشتری دارد، حسادت کنند در حالی که زوجین معتقدند که والدین در کار آنها دخالت می‌کنند (یانگ و لانگ، ۲۰۰۷، به نقل از افقری ۱۳۹۱: ۲۸). وظیفه اصلی زوجین در این مرحله تعدیل نگرش نسبت به ازدواج است. هر یک از همسران نیز باید تعلق نسبت به خانواده اصلی را بپذیرد و به دنبال قطع یا کمرنگ کردن این تعلقات

1 - Harway

2 - Young & Long

نباشد؛ در عین حال خانواده‌های اصلی باید زمینه استقلال عاطفی فرزند خود را فراهم کنند؛ تعلق عاطفی او نسبت به همسرش را بپذیرند و آن را در تعارض با وابستگی به خود نبینند (سالاری فر، ۱۳۸۸: ۵۷). بنابر این پس از ازدواج در زندگی هر یک از زوجین و خانواده‌های آنها تغییرات عمده اتفاق می‌افتد که هر کدام متعهدند این تغییرات را بپذیرند و ضمن سازگاری با آنها شیوه‌های مدیریت مؤثر را بیاموزند. برخی از این تغییرات تحولی در زمینه ارتباط زوجین با خانواده اصلی شامل عدم تمایز یافتگی، وابستگی‌های دو طرفه بین زوجین و خانواده‌هایشان، عدم مرزسازی صحیح در خانواده تازه شکل می‌یابد و در نتیجه عدم تعهد خانواده‌ها به رابطه زوجین و دخالت‌های نا بجای هر یک از طرفین است (افقری، ۱۳۹۱: ۵).

۱- ۲- خانواده دارای فرزند خردسال

از جمله وظایف زوجین پس از تولد فرزند، سازماندهی دوباره روابط با خانواده اصلی است به گونه‌ای که والدین زوجین بتوانند بدرستی نقش پدر بزرگی و مادر بزرگی را ایفا کنند. اگر پدر و مادر بزرگها خود را با نقش حمایتی از فرزندان و نوه‌ها سازگار کنند، می‌توانند در انعطاف پذیری خانواده مشارکت کنند و در صورت عدم حمایت از خانواده، مشکلات سازگاری را افزایش می‌دهند (موسوی، ۱۳۸۲: ۱۳۳). از مشکلات این دوره "مثلث سازی"^۱ است. مثلث‌ها عبارت است از تباری دو نفر در مورد شخص سوم؛ بدین معنا که پدر بزرگ یا مادر بزرگ و نوه، علیه والدین با هم صف آرایی کنند در این صورت ممکن است والدین قدرت خود را از دست بدهند (مک گلدریک، گرسن و شلن برگر، ۱۳۸۹: ۱۶۸).

۱- ۳- روانه کردن فرزندان و جدایی

در این مرحله زوجین علاوه بر سازگار شدن با خروج فرزندان از منزل پدری و روبه رو شدن با سندرم آشیانه خالی، باید با تغییرات در روابطشان با والدین پا به

سن گذشته‌ای نیز کنار بیایند که ممکن است به حمایت روز افزون نیاز داشته باشند. رویارویی با ناتوانی و فوت والدین از دیگر وظایف مرتبط با این مرحله است (نیکولز و شوارتز، ۱۳۸۷: ۱۱۷). احساس مسئولیت در برابر والدینی که نیازمند یاری هستند در برخی موارد برخاسته از هنجارهای روابط خانوادگی است و در موارد دیگر با پویاییهای روابط بین آنها ارتباط دارد و تحت تأثیر نوع رابطه احساسی است که فرزندان در طول زندگی نسبت به والدین خود داشته‌اند (چیل، ۱۳۸۸: ۷۹). هم‌چنین در این مرحله زوجین دارای عروس و داماد می‌شوند که باید روابط خود را با فرزندان به رابطه بزرگسال - بزرگسال تغییر دهند. لازمه این تغییر، تغییر دیدگاه نسبت به فرزندان، اهمیت دادن به جایگاه فعلی آنها و ارزش قائل شدن برای درک و پختگی آنان است (زهراکار، ۱۳۹۰: ۴۷).

۲ - مهارتهای برقراری ارتباط با خانواده همسر

وقتی دو نفر با هم ازدواج می‌کنند، وارد گستره‌ای از ارتباطات اجتماعی می‌شوند که از آنان انتظار می‌رود بتوانند با افراد جدیدی که وارد زندگی آنها شده‌اند، رابطه مناسبی برقرار کنند؛ بدین منظور لازم است زوجین به مهارتهای برقراری روابط مؤثر با خانواده همسر دست یابند که برخی از آنها عبارت است از:

۲ - ۱ - مرز سازی در روابط زوجین و خانواده همسر

هر خانواده به عنوان سامانه‌ای از خرده نظامهایی نظیر خرده نظام والدین، زوجین و فرزندان تشکیل شده است. هر خرده نظام با مرزها و قواعد عضویت خاصی مشخص می‌شود. چنانچه زوجین و خانواده آنها نتوانند مرزسازی مناسبی در روابط بین خود ایجاد کنند، مسلماً با مشکلات فراوانی روبه‌رو می‌شوند. مرزهای سالم در روابط زوجین و خانواده سالم ویژگیها و کارکردهایی دارد؛ از جمله:

۱ - حفظ استقلال زوجین ۲ - حفظ کمیت و کیفیت مناسب ارتباط با خانواده همسر ۳ - رعایت حریم خصوصی زوجین ۴ - احترام به نیازها و خواسته‌های زوجین توسط خانواده همسر ۵ - رعایت حرمتها و کاهش بدرفتاری زوجین و خانواده همسر نسبت به یکدیگر ۶ - برخورداری از حمایت خانواده همسر ۷ - سعی زوجین در رفع مشکلات خانواده همسر بدون اینکه زندگی خودشان تحت الشعاع قرار گیرد (قاسمی، ۱۳۹۱: ۸۵).

راهکارهای ایجاد مرزهای سالم عبارت است از:

۱ - یکی از آفتهای زندگی خانوادگی، دیدارهای مکرر و غیر ضروری و بدون برنامه زوجها و خانواده‌هایشان است. زوجین باید مرزبندی زمانی تعیین کنند تا هر دو بدانند چه مدت را باید در خانه والدینشان سپری کنند و آنها چند وقت یک بار می‌توانند پیش فرزندانشان بیایند.

۲ - هنگامی که با همسر دعوا می‌کنید، خانواده‌اش را وارد دعوا نکنید. کسی که شما با او طرف هستید، همسرتان است. تجربه حاکی است که والدین زمانی که در زندگی فرزندان خود ناپختگی و خامیهایی را مشاهده می‌کنند، انگیزه بیشتری برای دخالت خواهند داشت.

۳ - در مورد تربیت بچه‌ها مرز تعیین کنید تا استانداردها و قوانینی که در خانه مشخص شده است، توسط خانواده‌های طرفین بر هم نخورد.

۴ - وقتی در مورد مرزسازیهات تصمیم گرفتید، باید آنها را رعایت کنید. اگر یکی از طرفین این مرزها را بشکند، کل این فرایند بر هم می‌خورد و علاوه بر آن اعتماد همسرتان را هم از دست می‌دهید.

۵ - هر یک از همسران سعی کنند با والدینشان در مورد مرزسازیهایی که به اتفاق همسرشان مشخص کرده‌اند، صحبت کنند (قاسمی، ۱۳۹۱: ۸۹ - ۸۷).

۲-۲- مدیریت انتظارات و توقعات

ممکن است هر کدام از زوجین و افراد خانواده همسر، انتظارات و توقعات خاصی از یکدیگر داشته باشند که چنانچه از سوی مقابل مورد بی توجهی قرار گیرد، گناهی بزرگ به شمار می آید. هنگامی که انتظارات یکی از زوجین توسط خانواده همسر برآورده نمی شود، ممکن است فرد نیز با قطع رابطه و یا مشاجره با خانواده همسر به مقابله بپردازد یا عصبانیت خود را بر سر همسرش خالی کند. راهکارهای مدیریت انتظارات و توقعات به این شرح است:

۱- شناسایی انتظارات و توقعات ۲- شناسایی معنی نهفته در پس بر آورده شدن یا نشدن انتظارات ۳- تجزیه و تحلیل انتظارات و توقعات ۴- بازگو کردن انتظار خود به صورت درخواست جرأت‌مندانه (قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۰۱ و ۱۰۰).

۲-۳- رهایی از وابستگی

یکی از مشکلات شایع زن و شوهرها وابستگی زن یا شوهر به خانواده اش است که تأثیرش را به صورت دخالتها در زندگی آنان نشان می دهد. برای از بین بردن چنین مشکلی باید به خود و همسر کمک کرد تا از وابستگی شدید به پدر و مادر بدون اینکه ذره‌ای در احساس دوست داشتن پدر و مادر خلل وارد شود، رها شود. راهکارهای نجات رابطه از وابستگی به والدین به این قرار است:

اگر به این نتیجه رسیدید که همسرتان واقعا به خانواده اش وابسته است، راه حل‌های زیر را امتحان کنید:

۱- اگر روابط مناسبی با همسرتان ندارید، سعی کنید این روابط را بهبود بخشید و هر چه بیشتر از لحاظ عاطفی به همسرتان نزدیک شوید.

۲- گاهی ممکن است رفتارهای نسنجیده و کودکانه باعث وابستگی همسر به خانواده اش شود؛ چون او نمی تواند در مورد مسائل زندگی به شما تکیه کند در نتیجه می خواهد خانواده اش را در کنار خود داشته باشد. گاهی نیز رفتار آزار گرانه

شما سبب شده است او به خانواده‌اش پناه برد؛ در چنین مواردی اگر رفتار مناسبتری نسبت به همسران داشته باشید، مسلماً از وابستگی او کاسته خواهد شد.

۳ - گاهی دلیل وابستگی همسر به خانواده اصلی خود، ضعف در تصمیم‌گیری و عدم اعتماد به نفس او است. چنانچه همسر همه موارد کوچک و بزرگ زندگی را با والدین مطرح می‌کند و دست آنها را در دخالتها باز می‌گذارد، شما باید همسران را از تأثیرات نظر بی‌مورد خانواده‌اش در زندگی آگاه کنید و او را از آسیبهای شدیدی مطلع سازید که این کار به روابط بین شما و خانواده همسران وارد می‌سازد.

۴ - گاهی زوجین هر نوع اختلاف و درگیری با همسرشان را به والدین خود گزارش می‌کنند. به همسران پیشنهاد کنید که هر وقت اختلافی با شما پیدا کرد، گزینه‌های بهتری را برای به آرامش رسیدن یا مشورت کردن، پیدا کند. شاید بهترین راه حل این باشد که کمتر با همسران درگیر شوید (قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۰۷ و ۱۰۶).

۲ - ۴ - مدیریت تفاوتها

دو خانواده‌ای که با هم وصلت می‌کنند، ممکن است از جهات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و سیاسی با هم تفاوت داشته باشند؛ گاه همین تفاوتها می‌تواند منشأ درگیری زوجین و خانواده همسر گردد. راهکارهای مدیریت تفاوتها عبارت است از:

۱ - بدانید تفاوت با خانواده همسر در هر زمینه‌ای، عادی است. ۲ - توجه به شباهتها در کنار تفاوتها ۳ - دلیلی نیست که مردم حتماً مطابق میل ما رفتار کنند و دلیلی هم ندارد که حتی اگر رفتارشان قابل قبول نیست، حتماً خود را تغییر دهند تا متناسب با آن چیزی شوند که مد نظر ماست (قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۱۳).

ب - مدیریت ارتباط با خانواده اصلی و خانواده همسر از دید اسلام

همزمان با شروع پیوند ازدواج، روابط اجتماعی زن و مرد گسترش می‌یابد. از آثار شکل‌گیری هر ازدواج، شکل‌گیری دو شاخه خویشاوندی است: یکی خویشاوندی نسبی یا خونی که با تولد فرزندان و استمرار نسل آنان شکل می‌گیرد و دیگری خویشاوندی سببی که بین هر یک از زن و مرد با افراد جدیدی برقرار می‌شود. قرآن به این دو نوع خویشاوندی اشاره کرده است:

«وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَ كَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا» (فرقان/۵۴): و اوست کسی که از آب، بشری آفرید و او را [دارای خویشاوندی] نسبی و دامادی قرار داد و پروردگار تو همواره تواناست.

خداوند آفرینش بشر را به دو گونه قرار داده است: یک قسمت "نسب"، که از سوی مذکر (مرد) است (که پیوندهای نسبی مانند پدر، فرزند، برادر و غیره از این طریق است) و قسمت دیگر "صهر" یا خویشاوندی سببی که در اصل به معنی داماد است و پیوند و قرابت‌هایی است که از طریق ازدواج مرد و زن تحقق می‌یابد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۴۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵: ۲۲۹).

خویشاوندی فرد با خانواده اصلی همسر از نوع سببی و پیوند هر یک از زوجین با خانواده اصلی خود از نوع نسبی و خونی است. از جمله وظایف زوجین پس از ازدواج، برقراری روابط مستمر و مطلوب با خانواده اصلی خود و همسر است.

۱ - الگوهای تعاملی با خود، همسر و خانواده اصلی

گاهی ارتباطات به گونه‌ای شکل می‌گیرد که یک طرف سومی نیز در رابطه دخیل خواهد بود. اگر این نوع رابطه در زمینه ارتباط همسران با خانواده اصلی مطرح شود، باید گفت گاهی طرف سوم، خانواده اصلی یکی از زوجین است. گاهی طرف سوم همسر فرد است که در مواقعی چگونگی رفتار یک طرف با خانواده اصلی خود در رابطه همسری اثرگذار است. گاهی نیز چگونگی تعامل خود فرد با همسر

و خانواده اصلی مطرح است. برخی روایات، انواع این رابطه را مورد اشاره قرار داده است.

در روایتی، پیامبر(ص) از همسرانی سخن می‌گوید که در تعامل با والدین خود، نفوذپذیر و تحریک پذیر و در تعامل با همسر خود نفوذ ناپذیر و نرمش ناپذیرند: "أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشِرَارِ نِسَائِكُمْ؟ الدَّلِيلَةُ فِي أَهْلِهَا، الْعَزِيزَةُ مَعَ بَعْلِهَا" (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۰: ۵۷۴): آیا شما را به بدترین زنانتان خبر دهم؟ کسی که در خانواده‌اش ذلیل و با شوهرش عزیز است.

در روایتی دیگر از همسران ناشایستی یاد شده است که نزد خانواده‌شان خوار و بی‌مقدار و نزد خودشان مغرور و خودخواه هستند:

"شِرَارُ نِسَائِكُمْ ... الدَّلِيلَةُ فِي قَوْمِهَا الْعَزِيزَةُ فِي نَفْسِهَا.." (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰: ۳۴): بدترین زنانتان کسی است که... در قومش ذلیل و در نفسش عزیز است.

باید یادآور شد، مقصود از نفوذ پذیری در برابر خانواده پدری و نفوذ ناپذیری در برابر همسر این است که یکی از زوجین در مسائل مربوط به زندگی زناشویی از خانواده خود تحریک پذیر و اثر پذیر باشد به گونه‌ای که از سخنان منفی آنها یا تحریکات آنان، تأثیر پذیرد؛ اما در این باره هیچ سخن و توضیحی از همسر خود نمی‌پذیرد. گاه ممکن است والدین، سخنان تحریک آمیزی درباره همسر فرد بگویند و یا رفتار او را نادرست تفسیر کنند و آن را به فرزند خود منتقل سازند و یا بخواهند به نوعی در زندگی او دخالت کنند؛ در چنین موقعیتی، اگر فرد نسبت به خانواده نفوذ پذیر باشد، اختلاف و بدبینی در زندگی سایه می‌اندازد و در عین حال اگر نسبت به همسر، نفوذ ناپذیر باشد، سخنان وی را نخواهد پذیرفت.

بنابراین با توجه به این روایات، می‌توان به دو الگوی ارتباطی منفی دست یافت.

۱ - الگوی والدین - همسر: بر اساس این الگو، فرد، تحریک پذیر در برابر والدین

و نفوذ ناپذیر در برابر همسر است.

۲ - الگوی والدین - خود: بر اساس این الگو، فرد در برابر خانواده اصلی، دلیل و نزد خود متکبر است.

در برابر الگوی نامناسب روابط با همسر و والدین و خود، روایات دیگری الگوی مناسب را یادآور می‌شود. پیامبر(ص) از همسران شایسته‌ای یاد می‌کند که نسبت به خانواده‌شان نفوذ ناپذیر و نسبت به همسر خود نفوذ پذیرند: "إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمْ... الْعَزِيزَةُ فِي أَهْلِهَا الدَّلِيلَةُ مَعَ بَعْلِهَا..." (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳: ۳۸۹): بهترین زنان شما کسی است که ... در خانواده اش گرمی و نزد شوهرش دلیل باشد.

در روایت دیگری لقمان حکیم به فرزندش از همسرانی یاد کرده است که نزد خانواده، گرمی و در برابر خود فروتن هستند: "يَا بُنَيَّ النِّسَاءُ أَرْبَعَةٌ ثِتَانِ صَالِحَتَانِ وَ ثِتَانِ مَلْعُونَتَانِ فَأَمَّا إِحْدَى الصَّالِحَتَيْنِ فَهِيَ الشَّرِيفَةُ فِي قَوْمِهَا الدَّلِيلَةُ فِي نَفْسِهَا..." (مفید، ۱۴۱۳: ۳۳۹): پسرم زنان چهار گروهند: دو گروهشان صالح و دو گروهشان ملعون؛ اما یکی از دو گروه صالح، آن گروهی است که در قومش شریف و در نزد خودش دلیل است.

با توجه به این روایات نیز می‌توان به دو الگوی ارتباطی مثبت دست یافت:

۱ - الگوی والدین - همسر: بر اساس این الگو، فرد نسبت به خانواده خود، نفوذ ناپذیر و گرمی و نسبت به همسر، نفوذ پذیر است.

۲ - الگوی والدین - خود: بر اساس این الگو، فرد نزد خانواده، نفوذ ناپذیر و گرمی و در برابر خود، فروتن است.

لازم به توضیح است که نفوذ ناپذیری در برابر خانواده اصلی به معنای توهین و بی‌احترامی به آنان نیست؛ چنانکه روایت نیز بیان می‌کند که الگوی مناسب الگویی است که فرد طی آن نزد خانواده، شریف، و بدهی است که بی‌احترامی، شرافت شخص را ضایع می‌سازد. باید دانست که نفوذ پذیری نزد همسر به معنای خوار و بی‌ارزش بودن نیست؛ بلکه محدوده‌ای معین دارد. در روایات نیز به اصل تکریم زن

و شوهر، یکدیگر را بسیار توصیه شده است. بنابر این باید گفت الگوی تعامل صحیح با همسر باید بر اساس "نفوذپذیری - کرامت" و با خانواده باید بر اساس "نفوذناپذیری - کرامت" استوار باشد.

۲ - مهارت‌های ارتباط با خانواده اصلی از دید اسلام

در آیات و روایات در موارد متعدد امر و نهی‌ها و توصیه‌هایی در زمینه چگونگی رفتار فرزندان با والدینشان به چشم می‌خورد که با بهره‌گیری از این آیات و روایات می‌توان به مهارت‌های برقراری ارتباط مؤثر با والدین دست یافت که برخی از آنها به این شرح است:

۲ - ۱ - حفظ احترام والدین

آموزه‌های اسلامی در جهت حفظ احترام والدین در روابط کلامی سفارشهایی دارد؛ از جمله هرگونه آزار و پرخاشگری لفظی نسبت به والدین، ناشایست اعلام شده تا آنجا که در قرآن به فرزندان سفارش شده است حتی از گفتن لفظ "اف"، که در زبان عربی کمترین مراتب تندی در گفتار است، بپرهیزند:

فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أِفٍ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا (اسراء/۲۳): به آنها [حتی] «اوف» مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگو.

هم‌چنین توصیه شده است که آنها را نباید با اسمشان صدا زد بلکه با کلماتی نظیر پدر و مادر خطاب قرار گیرند؛ چنانکه وقتی از ابی‌عبدالله (ع) در مورد حق والدین بر فرزندان سؤال شد، ایشان یکی از حقوق را صدا زدن با نام دانستند و فرمودند: لَا يُسَمِّيهِ بِاسْمِهِ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۵۹). در این زمینه پیامبر (ص) نیز از فاطمه (س) می‌خواست ایشان را به عنوان پدر خطاب کنند نه عناوین دیگر مانند رسول خدا. «إِنْ قَوْلَكَ يَا أَبَاهُ، أَحَبُّ إِلَيَّ قَلْبِي وَأَرْضِي لِلرَّبِّ» (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۰۴): اینکه مرا پدر خطاب کنی، نزد من محبوبتر و مایه خشنودی پروردگار است.

مهمترین مسئله در روابط غیر کلامی نیز فروتنی در برابر والدین است. قرآن با استعاره‌ای زیبا افراد را به نهایت فروتنی در برابر والدین دعوت می‌کند:

(اسراء/۲۴): و از سر مهربانی، بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو «پروردگارا، آن دو را رحمت کن چنانکه مرا در خردی پروردند.

هم‌چنین براساس آموزه‌های اسلامی مناسب نیست فرزند جلوتر از والدین راه برود «وَلَا يَمْشِي بَيْنَ يَدَيْهِ» و پیش از آنها بنشیند «وَلَا يَجْلِسُ قَبْلَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۳۳). لحن و آهنگ صدای فرزندان در مقابل والدین، آرام و پایین‌تر از آنها و در عین حال مهربانانه باشد؛ چنانکه امام صادق (ع) فرمودند: «وَلَا تَرْفَعْ صَوْتَكَ فَوْقَ صَوْتِهِمَا: و صدایت را از صدای والدین بالاتر مبر (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵: ۱۹۸)؛ نگاه فرزند به والدین نباید خیره و تند و از سر خشم باشد؛ هرچند به او ستم کرده باشند: «مَنْ نَظَرَ إِلَىٰ أَبِيهِ نَظْرَ مَاقِتٍ وَهُمَا ظَالِمَانِ لَهُ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ صَلَاةً» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۴۹).

نکته تربیتی مهمی که از این مباحث به دست می‌آید، این است که حفظ و رعایت احترام خانواده اصلی از سوی فرزندان به طور غیر مستقیم باعث حفظ احترام آنها از سوی همسر می‌شود. توضیح اینکه کسی که خود در روابط کلامی و غیر کلامی با والدینش از هر گونه بی‌احترامی پرهیز می‌کند، همسرش نیز در رویارویی با والدین او هرگز به خود اجازه بی‌حرمتی نمی‌دهد؛ لذا می‌توان گفت یکی از راه‌هایی که زوجین می‌توانند به کمک آن باعث نگهداشتن حرمت والدینشان از سوی همسر خود شوند، حفظ احترام آنها در درجه اول از سوی خودشان است.

۲-۲ - تعدیل وابستگی به خانواده اصلی و همسر

زن و شوهر پس از ازدواج، با دو نوع وابستگی عاطفی رو به رو هستند: نخست وابستگی به والدین و اعضای خانواده اصلی مانند خواهران و برادران و دوم

وابستگی به همسر است. وابستگی به خانواده اصلی ریشه خونی دارد که از انعقاد نطفه و دوران جنینی آغاز می‌شود و ادامه می‌یابد. از سوی دیگر وابستگی به همسر، جنبه‌های عمیقی دارد که خداوند نیز به آن اشاره فرموده است:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم/۲۱): و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد؛ آری در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند، قطعاً نشانه‌هایی است.

معمولاً فرد در رویارویی با این دو وابستگی به تعارض دچار می‌شود بویژه وقتی طرف مقابل در این روابط به دنبال اختصاص و انحصار فرد به خود باشد. راهکار حل تعارض در این وضعیت این است که زن و مرد لازم است روابط مناسب را با والدین ادامه دهند و در تعارضات در کنار رعایت حقوق همسر به حقوق والدین نیز عنایت کامل داشته باشند؛ چرا که قرآن حقوق والدین را در ردیف مسئولیت‌های الهی فرد می‌آورد و می‌فرماید:

وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ (لقمان/۱۴): و انسان را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش به او باردار شد؛ سستی بر روی سستی و از شیر بازگرفتنش در دو سال است. [آری به او سفارش کردیم] که شکرگزار من و پدر و مادرت باش که بازگشت [همه] به سوی من است.

اگر والدین از فرزند ناخشنود باشند، پیامد نامطلوب دنیوی و اخروی از جمله محرومیت از بهشت و عدم پذیرش نماز و طاعات در انتظار او خواهد بود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۴۹ و ۳۴۸).

۲-۳- اختصاص دادن زمانهای خاص برای دیدار والدین

زوجین به منظور استمرار روابط مطلوب با خانواده‌های اصلی می‌توانند برنامه‌ریزی کنند؛ مثلاً زمانهای معینی را برای سرزدن به خانواده‌ها تعیین کنند. در آموزه‌های دینی تأکید فراوانی بر صله رحم و دید و بازدید از خویشاوندان شده و آثار بی‌شماری برای به جای آوردن صله رحم بر شمرده شده است؛ از جمله اینکه باعث طولانی شدن عمر (صدوق، ۱۴۰۷، ج: ۲، ۱۵۲)، جلوگیری از بلاها و مرگ ناخوشایند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج: ۷۱، ۹۱)، نیکو شدن اخلاق (کلینی، ۱۴۰۷، ج: ۲: ۱۵۱) و محبوبیت فرد (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۵۲) می‌شود؛ حال چه رسد به اینکه دید و بازدید در مورد والدین باشد. در رأس صله رحم، صله با پدر و مادر است که از همه نزدیک‌ترند و مسلماً باید در اولویت باشند. ارتباط زوجین با خانواده‌های اصلی یکدیگر آثار مثبت فراوانی دارد از جمله برونریزی عاطفی، بیان مسائل و مشکلات زندگی و مشورت و نظرخواهی در کارها و استفاده از تجربه والدین و همدلی آنان.

۲-۴- رازداری در برابر خانواده اصلی

گاهی در زندگی مشترک مسائل و یا مشکلاتی بین زوجین پیش می‌آید یا زوجین نسبت به یکدیگر در جریان زندگی مشترک به آگاهی‌هایی دست می‌یابند که بازگو کردن آنها برای خانواده اصلی پیامدهای ناگواری در پیش دارد؛ به عنوان مثال چنانچه طرفین عیوبی در یکدیگر مشاهده می‌کنند در عوض بازگو کردن برای خانواده باید پوشاننده عیوب یکدیگر باشند؛ چنانکه خداوند می‌فرماید: «هِنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ» (بقره/۱۸۷): زن و مرد لباس یکدیگرند و همان‌گونه که لباس از ظاهر شدن عیوب انسان جلوگیری می‌کند و آن را از دیدها محفوظ می‌دارد، زن و مرد نیز باید پوشاننده عیوب یکدیگر باشند. پیامبر(ص) فرمودند: من زنی را که از خانه خود دامنکشان برای شکایت از شوهرش بیرون شود، دشمن دارم (پاینده، بی تا: ۳۴۸). چه بسا خانواده‌ها به سبب علاقه افراطی به فرزند خود یا برخوردهای

مغرضانه، زمینه تشدید مسائل را فراهم سازند؛ این در حالی است که در سیره بزرگان ما شکایت نکردن از وضعیت نابسامان و پنهانداشتن کاستیهای زندگی مشترک و در مقابل برخورد سنجیده والدین قابل مشاهده است. روزی فاطمه (س) به حضور پدر بزرگوارش رسید در حالی که آثار گرسنگی و ضعف از چهره او نمایان بود. ایشان هیچ شکایتی از زندگی و همسرش نکرد. رسول خدا وقتی این حالت را مشاهده نمود، دست به سوی آسمان دعا کرد، خدایا گرسنگی فرزندم را به سیری مبدل و وضع او را سامان بده (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳: ۷۷). گاهی اوقات نیز زوجین مسائلی را رازگونه با یکدیگر در میان می‌گذارند که چه بسا آگاهی یافتن خانواده طرف مقابل از این اسرار، زمینه‌های سوء استفاده آنان را فراهم سازد. رسول خدا (ص) فرمود: نشست‌ها امانتند و برملا نمودن راز برادرت خیانت است (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲: ۳۰۷). بنابر این لازم است ورود و خروج هر گونه اطلاعات از این حریم، مطابق ارزشهای دینی و در عین حال سنجیده باشد.

۳- مهارتهای ارتباط با خانواده همسر

برقراری روابط مطلوب با والدین همسر از جمله وظایف زن و مرد بعد از ازدواج است؛ زیرا داشتن چنین روابطی نقش مهم و در عین حال مؤثری در تقویت روابط زوجین دارد. دین اسلام راهکارهایی برای تقویت این روابط ارائه کرده است:

۳- ۱- یکی انگاشتن والدین خود و همسر

بر اساس آموزه‌های اسلام، والدین همسر فرد، پدر و مادر او به شمار می‌آیند و رعایت احترام و حقوق آنها به مانند پدر و مادر خود او لازم است: «الاباء ثلاثة: اب زوجک و اب ولدک و اب علمک» (امینی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۳۶۹). در نظر داشتن اینکه والدین همسر بسان والدین خود فرد هستند و تفاوتی بین آنها نیست، بسیاری مشکلات زوجین را در ارتباط با خانواده همسر برطرف می‌سازد. با چنین نگرشی، فرد رفتارهای والدین همسر را به بدی تفسیر نمی‌کند؛ چرا که معتقد است آنها نیز

مانند والدین خودش به او علاقه‌مندند. همان گونه که رعایت احترام والدین خود را می‌کند، احترام والدین همسر را نیز بر خود واجب و حقوق آنان را رعایت می‌کند؛ در برابر والدین همسر نیز باید روابط مناسبی با داماد یا عروس خود داشته باشند. اگر فرد، داماد را پسر خود و عروس را دختر خود بداند، برقراری روابط عاطفی بین آنها استحکام بیشتری خواهد یافت. در سیره اولیای دین (ع) این نوع برخورد و تلقی دیده می‌شود: "كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (ع) إِذَا أَتَاهُ خَتْنَةٌ عَلَى ابْنَتِهِ أَوْ عَلَى أُخْتِهِ بَسَطَ لَهُ رِدَاءَهُ ثُمَّ أَجْلَسَهُ ثُمَّ يَقُولُ مَرْحَبًا بِمَنْ كَفَى الْمُتُونَةَ وَ سَتَرَ الْعَوْرَةَ" (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۰: ۶۵).

بدیهی است کوتاهی هر یک از زن و مرد در روابط با خانواده همسر، کوتاهی دیگری را به دنبال دارد. بنابر این برای حفظ روابط متقابل و جلوگیری از بروز مشکلات در خانواده بر هر یک از زن و شوهر لازم است به رعایت حقوق والدین همسر اهمیت دهند.

۳-۲- مبارزه با تعصبات بیجا در مورد والدین همسر

گسترده‌گی وظایف فرزندان نسبت به والدین به همه زندگی تا پایان عمر والدین و حتی پس از مرگ آنهاست. از دیدگاه اسلام، فرزند، چه پسر و چه دختر، پس از تشکیل خانواده باز هم نسبت به والدین، مسئولیتهای مختلف حمایتی چه اقتصادی و چه روانی دارد. در پاره‌ای آیات به فرزندان سفارش شده است که حقوق مالی و اقتصادی والدین را رعایت کنند. فرزندان باید از اموالشان به پدر و مادر انفاق کنند و در وصیت و میراث سهم والدین را، آن گونه که دستور داده شده است در نظر بگیرند (بقره/۱۸۰؛ بقره/۲۱۵؛ نساء/۱۱). چنانچه والدین نیاز مالی داشته باشند، فرزندان در تأمین نیازهای مالی آنان بر اساس دستور خداوند، مسئول هستند. حال ممکن است زوجی به دلیل حساسیتهای نا بجا همسرش را در انفاق مالی به خانواده

مورد نکوهش قرار دهد و بخواهد از این کار جلوگیری کند. بر اساس آنچه از آیات شاهد آورده شد، این کار عمل خلاف دستور خداوند است.

با رسیدن والدین به سالهای پیری مسئولیتها بیشتر می‌شود. زوجین باید نیاز والدین به فرزندان را در زمان پیری به عنوان یک اصل بپذیرند. خداوند صراحتاً دستگیری از آنها را در پیری مورد اشاره قرار داده است:

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا (اسراء/۲۳): و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را مپرستید و به پدر و مادر [خود] احسان کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دو در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به آنها [حتی] «اوف» مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگو.

پدر و مادر در دوران پیری سخت‌ترین حالات را دارند و بیشتر به کمک فرزند احساس نیاز می‌کنند؛ زیرا از بسیاری از واجبات زندگی خود ناتوانند. زمانی که آنها در دوران کودکی فرزند نیازهای او را بر آورده می‌ساختند، این آرزو را در سر می‌پروراندند که در روزگار پیری از دستگیری فرزند برخوردار شوند. خداوند با یادآوری دوران سخت حمل و به دنیا آوردن فرزند و مشقاتی که مادر در دوران شیردهی تحمل می‌کند تا فرزند به تکامل برسد به انسان سفارش می‌کند در برابر رنجهایی که مادر تحمل کرده است باید به او احسان کرد.

«وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً» (احقاف/۱۵): و انسان را [نسبت] به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم. مادرش با تحمل رنج به او باردار شد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد و بار برداشتن و از شیر گرفتن او سی ماه است تا آن گاه که به رشد کامل خود برسد و به چهل سال برسد.

متأسفانه برخی بدون توجه به سفارش خداوند در مورد رسیدگی به والدین از رسیدگی همسر خود به والدینش جلوگیری می‌کنند؛ این در حالی است که این مسئله مورد تأکید آموزه‌های اسلامی و از وظایف فرزندان در برابر والدین به شمار می‌آید؛ لذا جلوگیری از رسیدگی همسر به والدین در واقع، جلوگیری از اجرای حکم خدا به شمار می‌آید. چنین افرادی باید بدانند که وقتی به فرزندان سفارش شده است پس از مرگ والدین نیز به ایشان با اموری چون طلب آمرزش، قرائت قرآن، پرداخت صدقه، پرداخت دیون مالی، صلّه رحم با نزدیکان و احترام به دوستان والدین و ارتباط با آنان (نوری، ۱۴۰۸، ج ۲: ۱۱۴) و نیز به جای آوردن نماز، روزه و حج از جانب والدین (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۵۹) احسان کنند، رسیدگی به آنان در زمان حیاتشان جای خود دارد.

در کنار سفارشهایی که در اسلام در مورد طرز برخورد با خانواده‌های اصلی و خانواده همسر وارد شده است، مواردی هم به چشم می‌خورد که چگونگی ارتباط خانواده‌ها را با فرزندان نشان پس از ازدواج مورد اشاره قرار داده است.

۱ - خانواده‌های زوجین باید از دخالت‌های بیمورد در زندگی فرزندان خودداری کنند؛ چنانکه در روایت آمده بالاترین صلّه رحم آزار نرساندن به خویشان است (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۳: ۳۴۱). آزار می‌تواند در ضمن دخالت‌های بیمورد بروز کند.

۲ - بیان تحریک‌آمیز عیوب عروس و داماد از سوی والدین نزد فرزندان، ناصواب است. لزوم رعایت این نکته اخلاقی از دیدگاه دین تا بدانجاست که پیامبر(ص) حتی صداقت و راستگویی در بیان عیوب یکی از زوجین نزد همسر وی را نهی فرمودند. ایشان در توصیه به امام علی(ع) فرمودند:

"يَا عَلِيُّ ثَلَاثٌ يَفْتَحُ فِيهِنَّ الصَّدَقُ النَّمِيمَةُ وَإِخْبَارُكَ الرَّجُلَ عَنْ أَهْلِهِ بِمَا يَكْرَهُ...." (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۹): ای علی(ع) سه چیز است که صداقت و راستگویی در

مورد آنها قبیح و ناپسند به شمار می‌آید: یکی از آنها این است سخن چینی و آگاه گرداندن مرد از آنچه او شنیدن آن را در مورد همسرش ناخوش می‌دارد.

باید توجه کرد پیامبر (ص) حتی ذکر این عیوب را در صورت واقعی بودن آن از آنجا که ممکن است به ایجاد تنش بین زوجین منجر شود، ناروا می‌داند؛ چه رسد به اینکه در مواردی مشاهده می‌شود که والدین به دلایل واهی به بدگویی و ذکر عیوبی از عروس و داماد نزد فرزند خود می‌پردازند که اصلاً صحت ندارد.

۳- هنگام بروز اختلاف بین زوجین، والدین آنان باید بدانند که وساطت و پا در میانی آنان می‌تواند نقشی مؤثر در بهبود روابط و حل اختلافات فرزندانشان داشته باشد؛ از این رو در چنین موقعیتی باید با دلسوزی و خیرخواهی وارد میدان شوند و سعی در اصلاح روابط داشته باشند. قرآن کریم به نقش اثرگذار خانواده و اطرافیان زن و شوهر در شروع و استمرار زندگی زناشویی و رفع اختلاف اشاره کرده است:

"وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا" (نساء/۳۵): و اگر از جدایی میان آن دو [زن و شوهر] بیم دارید، پس داوری از خانواده آن [شوهر] و داوری از خانواده آن [زن] تعیین کنید. اگر سر سازگاری دارند، خدا میان آن دو سازگاری خواهد داد؛ آری! خدا دانای آگاه است.

واکنش پیامبر(ص) در مقابل ضعفی که بر اثر گرسنگی بر چهره فرزند مشاهده کرد که در خانه علی(ع) بر او عارض شده بود، الگویی مناسب برای طرز برخورد والدین در برابر عروس و داماد هنگام مشاهده کاستیهایی است که طبیعتاً در هر زندگی مشترکی هست. ایشان به جای خشمگین شدن از علی(ع) و بیان اعتراض و دخالت در این مورد دست به دعا گشودند و به منظور گشایش در کار فرزند دعا کردند.

محدودیتها و پیشنهادهای پژوهش

در دانش مشاوره خانواده، بحثهای مستقلی در قالب "چرخه زندگی خانوادگی" مطرح است که مراحل از این چرخه به موضوع ارتباط با خانواده اصلی و خانواده همسر پرداخته است. هم‌چنین پایان نامه‌هایی در این رابطه به رشته تحریر درآمده است. در حوزه اسلام تألیفی مستقل در این موضوع یافت نشد. از سوی دیگر تعداد روایاتی که موضوع مورد بحث را پوشش می‌داد، بسیار اندک بود؛ لذا نگارنده باید با رجوع به برخی آموزه‌های غنی اسلامی نظیر صله رحم، سفارش در حق والدین، رازداری، حفظ کرامت انسانی افراد و... به راهکارهایی به منظور مدیریت روابط با خانواده اصلی و همسر دست می‌یافت که همین مطلب سبب ارائه الگوهای تعاملی و ارائه مهارت‌های ارتباطی گشت؛ به عبارت دیگر محدودیت دسترسی به منبع مستقل در حوزه اسلامی سبب ایجاد نوآوری و ارائه دسته بندی جدیدی از مطالب در این موضوع شد.

دین مبین اسلام سفارشهای فراوانی در قالب صله رحم ارائه کرده است که به نظر می‌رسد در پژوهشی مستقل لازم است به طور مبسوط به تأثیر آموزه‌های اسلام در قالب صله رحم در بهبود روابط زوجین با خانواده‌های یکدیگر پرداخته شود؛ به عبارت دیگر می‌توان از آموزه‌های اسلام در موضوع صله رحم، راهکارهای مناسب بهبود یا بازسازی روابط تخریب شده برخی زوجین با خانواده همسر و نیز والدین با فرزندان و عروس و دامادها را دریافت کرد.

نتیجه

در موضوع ارتباط با خانواده اصلی در دانش مشاوره خانواده، بحث "چرخه زندگی خانوادگی" مطرح است که منظور از آن مراحل تحولی خانواده در طول حیات خود است که این مراحل عبارت است از: ترک خانه، پیوستن خانواده‌ها از

طریق ازدواج، خانواده دارای فرزند خردسال، خانواده دارای فرزند نوجوان، روانه ساختن فرزندان و جدایی.

در مرحله ترک خانه، تمایز یافتگی فرد از خانواده اصلی در سطح منطقی و هیجانی مطرح است به گونه‌ای که بین تمایز یافتگی و میزان رضایت زناشویی رابطه معنی دار وجود دارد. در مرحله پیوستن خانواده‌ها از طریق ازدواج، وظیفه فرد، پایان دادن به وابستگی‌های اولیه به والدین و جهت‌دهی دوباره نیروهای فردی از خانواده اصلی به ازدواج و تعدیل نگرش نسبت به ازدواج است؛ بدین معنا که هر یک از زوجین باید تعلق به خانواده اصلی را بپذیرند و به دنبال قطع یا کمرنگ کردن آن نباشد. در این مرحله وظایفی نیز بر عهده خانواده اصلی است از جمله اینکه زمینه استقلال فرزندان را فراهم کنند و وابستگی فرزند به همسر را بپذیرند و آن را در تعارض با وابستگی به خود نبینند. در مرحله خانواده با فرزند خردسال، وظیفه زوجین در برابر خانواده اصلی این است که روابط را به صورتی سازماندهی کنند که والدین بتوانند نقش پدر بزرگ و مادر بزرگی را ایفا کنند. خانواده اصلی نیز باید از "مثلث سازی" خودداری کنند. در مرحله روانه کردن فرزندان زوجین باید خود را با سالخوردگی والدین و اینکه آنها نیازمند رسیدگی هستند، تطابق دهند. در این مرحله زوجین دارای عروس و داماد می‌شوند و باید روابط خود را با فرزندان به صورت رابطه بزرگسال - بزرگسال شکل دهند.

مهارت‌هایی در زمینه ارتباط با خانواده همسر نیز ذکر شده است؛ از جمله مرزسازی، مدیریت توقعات، رهایی از وابستگی و مدیریت تفاوتها.

در حوزه اسلام بر اساس روایاتی که در موضوع ارتباط با خانواده اصلی هست، می‌توان الگوی سه بعدی از روابط ارائه کرد که ابعاد آن عبارت است از: ۱ - تعامل با خود ۲ - تعامل با همسر ۳ - تعامل با خانواده.

هر بعد نیز الگوی خاص خود را دارد؛ چنانکه الگوی تعامل با خانواده "نفوذ ناپذیر - شریف" است؛ یعنی فرد باید به گونه‌ای روابط خود را با خانواده‌اش تنظیم کند که نفوذ ناپذیر و در عین حال نزدشان گرمی باشد. الگوی تعامل با همسر "انعطاف پذیر - شریف" است؛ یعنی فرد باید نسبت به همسرش نرم و نفوذ پذیر و در عین حال گرمی باشد. الگوی تعامل با خود "ذلت - کرامت" است؛ یعنی فرد خود را کوچک ببیند تا دچار کبر نشود در عین حال نفس خود را گرمی بدارد تا به پستی دچار نشود.

بر اساس آموزه‌های اسلامی، برخی مهارت‌های برقراری رابطه مؤثر با خانواده اصلی عبارت است از: حفظ احترام والدین، تعدیل وابستگی به خانواده اصلی و همسر، اختصاص زمانهای خاص برای دیدار والدین، حفظ برخی اسرار زندگی مشترک در برابر خانواده اصلی.

مهارتهایی که اسلام در برقراری رابطه با خانواده همسر، بدان توصیه می‌کند، عبارت است از: در نظر گرفتن خانواده همسر به عنوان پدر و مادر خود و مبارزه با تعصبات بیجا در مورد والدین همسر.

در مورد تعدیل وابستگی به خانواده اصلی، آموزه‌های اسلام و مشاوره خانواده با هم همسویی دارد. قرآن ضمن اینکه به اصل وابستگی روحی و عاطفی زوجین به هم اشاره دارد (روم/۲۱) برای اینکه این وابستگی در تعارض با خانواده اصلی نباشد به رعایت حقوق دو طرف سفارش می‌کند و حقوق والدین را در ردیف مسئولیت‌های الهی قرار می‌دهد (لقمان/۱۴).

از دیگر اشتراکات دو حوزه، اختصاص زمانهایی برای دیدار از والدین است؛ به گونه‌ای که در اسلام در قالب صله رحم سفارش‌های فراوانی نسبت به دید و بازدید شده بویژه که دید و بازدیدها در مورد والدین و فرزندان باشد. در مشاوره خانواده هم چنین به برنامه‌ریزی و مرزبندی زمانی برای این دیدارها سفارش شده است تا

مبادا دیدارهای غیر ضروری و مکرر موجب ایجاد تنش در روابط زوجین با خانواده همسر شود.

اسلام رسیدگی فرزندان به والدین را در سالخورده‌گی مورد سفارش ویژه قرار داده و به منظور برانگیختن فرزندان در اجرای این مهم، رنجی را که مادر در دوران بارداری و شیردهی تحمل کرده است، یادآور می‌شود (لقمان/۱۴). بر اساس آموزه‌های اسلام، فرزندان نه تنها در زمان حیات والدین در برابر آنان مسئولند بلکه بعد از مرگ آنان نیز با اموری چون طلب آمرزش، پرداخت صدقه و دیون و... باید به آنان احسان کنند و این بیانگر تأکید فوق‌العاده‌ای است که اسلام بر رعایت حقوق والدین قائل است؛ تأکیدی که در مشاوره خانواده کمتر به چشم می‌خورد. در این حوزه هرچند در مرحله روانه کردن فرزندان و جدایی به احساس مسئولیت در برابر والدین سالخورده اشاره شده است، این مسئله به پویایی روابط بین آنها و نوع رابطه احساسی فرزندان نسبت به والدین بستگی دارد. گویی هرچه روابط احساسی قوی‌تر، رسیدگی هم بیشتر و بالعکس؛ در حالی که اسلام رسیدگی به والدین و احترام آنها را بدون هیچ گونه قید و شرطی واجب دانسته است؛ حتی اگر آنان کافر یا مشرک باشند.

در دانش مشاوره خانواده و در آموزه‌های اسلام بر حفظ حرمت و احترام والدین تأکید شده است؛ به عنوان نمونه در مرزسازیه‌های سالم بین زوجین و خانواده اصلی در دانش مشاوره خانواده رعایت احترام بین زوجین و خانواده‌ها از ویژگی‌های مرزهای سالم است و یا رسیدگی فرزندان به والدین هنگام پیری که برخاسته از ارزش و احترامی است که فرزندان برای والدین قائلند همه در راستای موفقیت و ایجاد آرامش در زندگی دنیایی انسان است و بر پایه انسان محوری بنا دارد. تأکید بر این مسئله در حوزه اسلام بسیار جدی‌تر و پر اهمیت‌تر است (اسراء/۲۴، ۲۳؛ لقمان/۱۴). اهمیت موضوع به قدری است که قرآن حتی کیفیت این احترام را در

بعد رفتار کلامی و غیرکلامی آموزش می‌دهد. در مورد آموزش رفتار کلامی با والدین می‌فرماید به آنها "اف"، که کوچکترین حد از مراتب تندى است هم نگوید؛ بلکه با آنها با احترام سخن بگوید (اسراء/۲۳) و در مورد رفتار غیرکلامی امر به رعایت تواضع و فروتنی در مقابل آنان می‌کند به نحوی که بیانگر احترام باشد.

خداوند در آیه ۱۴ سوره لقمان، سپاسگزاری از والدین را که یکی از مصداقهای محترم شمردن آنان است در ردیف شکرگزاری از خودش قرار داده است و در مورد رفتار با والدین هشدار می‌دهد که بازگشت همه به سوی من است. گویی خداوند با آوردن عبارت "الی‌المصیر" ثواب اخروی به دلیل حفظ حرمت والدین و عذاب اخروی به دلیل کوتاهی در ادای این مهم را یادآور می‌شود. هم‌چنین در روایتی از امام صادق (ع)، که در بازداری فرزندان از رفتارهای غیر کلامی نابجا در برابر والدین، نظیر نگاه تند و خیره، ایراد شده است، می‌فرمایند نماز چنین فرزندان مورد قبول واقع نمی‌شود. در واقع حرمت شکنی والدین باعث تخریب زندگی اخروی خواهد شد. این دو نمونه دلیلی است بر اینکه ارتباط با والدین بر اساس آموزه‌های اسلامی بر پایه توحید محوری بنا دارد؛ چنانکه پاسداشت حرمت آنان آسایش و سعادت زندگی دنیا و آخرت و ضایع ساختن آنان نعمت دنیا و آخرت را در پی می‌آورد.

منابع

- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). **تحف العقول**. قم: جامعه مدرسین قم.
 افقری، فاطمه (۱۳۹۱). **تدوین و استانداردسازی بسته آموزشی بومی مهارت‌های ارتباط زوجین با خانواده اصلی بر مبنای آسیب شناسی تعاملی در خانواده‌های شهر اصفهان**. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
 امینی، عبدالحسین (۱۳۶۶). **الغدیر فی الکتاب السنه و الادب**. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

بحرانی، سید هاشم (۱۳۷۴). **البرهان فی تفسیر القرآن**. محقق و مصحح قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثه. قم: مؤسسه بعثه.

پاینده، ابوالقاسم (بی تا). **نهج الفصاحه**. تهران: دنیای دانش.

پروجاسکا، جیمز؛ نورکراس، جان (۱۳۸۱). **نظریه‌های روان درمانی**. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: رشد.

تبریزی، مصطفی؛ دیبائیان، شهرزاد؛ کاردانی، مژده؛ جعفری، فروغ (۱۳۸۵). **فرهنگ توصیفی خانواده و خانواده درمانی**. تهران: فراروان.

چیل، دیوید (۱۳۸۸). **نگرشی جامعه شناختی بر خانواده‌ها در دنیای امروز**. ترجمه محمد مهدی لیبی. تهران: شرکت نشر نقد افکار.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق) **وسائل الشیعه**. قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.

زهراکار، کیانوش؛ جعفری، فروغ (۱۳۹۰). **مشاوره خانواده (مفاهیم، تاریخچه، فرایندها و نظریه‌ها)**. تهران: ارسباران.

سالاری فر، محمدرضا (۱۳۸۸). **خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی**. قم: سبحان.

صدر، محمدباقر (۱۴۰۹). **التفسیر الموضوعی و الفلسفه الاجتماعیه فی المدرسه بیروت: دارالعالمیه**.

صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه (۱۴۱۳ق). **من لا یحضره الفقیه**. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). **المیزان فی تفسیر القرآن**. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن محمد (۱۳۷۲ش). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. تهران: انتشارات ناصر خسرو.

علیکی، محمود؛ نظری، علی (۱۳۸۷). **بررسی رابطه بین تمایز یافتگی و رضایت زناشویی**. فصلنامه تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره. ش ۲۶: ۲۴ - ۷.

قاسمی، سیمین (۱۳۹۱). **تدوین و استاندارد سازی بسته آموزش بومی مهارت‌های ارتباط با خانواده همسر بر مبنای آسیب شناسی تعاملی در خانواده‌های شهر اصفهان، اصفهان، دانشگاه اصفهان**.

کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق). **الکافی (ط-الاسلامیه)**. محقق و مصحح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۲۹). **کافی (ط- دار الحدیث)**. قم: دار الحدیث.

- گلدنبرگ، ایرنه؛ گلدنبرگ، هربرت (۱۳۸۲). **خانواده درمانی**. ترجمه حمیدرضا حسین شاهی و دیگران. تهران: نشر روان.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). **بحار الانوار**. بیروت: دار احیای التراث العربی.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳). **الاختصاص**. محقق و مصحح غفاری و محرمی. قم: المؤتمر العالمي لالفیه الشیخ المفید.
- مک گلدرینگ، مونیکا؛ گرسن، رندی؛ شلن برگر، سیلویا (۱۳۸۹). **ژنوگرام (سنجش و مداخله در مشاوره ازدواج و خانواده درمانی)**. ترجمه فرشاد بهاری. تهران: دانژه.
- موسوی، اشرف (۱۳۸۲). **خانواده درمانی کاربردی با رویکرد سیستمی**. تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا.
- نوری، محمد تقی (۱۴۰۸). **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**. محقق و مصحح مؤسسه آل البيت. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- نیکولز، مایکل؛ شوارتز، ریچارد (۱۳۸۷). **خانواده درمانی مفاهیم و روش‌ها**. ترجمه محسن دهقانی و دیگران. تهران: دانژه.
- هاروی، مایکل (۱۳۸۸). **کتاب جامع زوج درمانی**. ترجمه خدابخش احمدی و همکاران. تهران: دانژه.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی